

حزب توده ایران و "ولایت فقیه"!

در حاشیه کنفرانس برلن، بین برخی دگراندیشان از ایران آمده و شماری از نیروهای سیاسی، از جمله توده‌های با بحث‌هایی پیش آمد که در نوع خود بسیار جدی است. پاره‌ای از این بحث‌ها به سیاست‌های حزب توده ایران در برابر جمهوری اسلامی و در سال‌های نخست برپایی آن باز می‌گشت، که گاه در ادامه آن به دیدگاه‌های کنونی در حزب توده ایران که در دو نشریه "راه توده" و "نامه مردم" منتشر می‌شود، منجر می‌شد.

این دیدارها و بحث‌های اتفاقی از حاشیه کنفرانس برلن و محدوده این شهر فراتر رفته و در شهرهای "اسن" و "کلن" نیز به دور از جنجال‌های عصبی شهر برلن ادامه یافت. در رابطه با این بحث‌ها و مسائلی که طی آن مطرح شده‌است، تاکنون گزارش‌های مختلفی برای راه توده ارسال شده‌است، که کوشش خواهد شد به عمومی‌ترین و گره‌ترین آنها، در جهت روشن شدن بازهم بیشتر مواضع گذشته و حال حزب توده ایران، مستند به اسناد و مدارک حزبی پاسخ داده شود.

در یکی از گزارش‌های دریافتی آمده‌است: ((... در جریان تنفس که قرار بود پس از آن پرسش و پاسخ شروع شود، بحث پیرامون ولایت فقیه و موضع حزب توده ایران در جریان تصویب قانون اساسی مطرح شد. آقای... که آشنا به مسائل سیاسی چپ است گفت که حزب توده ایران هم باید اشتباه خود را بپذیرد. حزب به ولایت فقیه رای داد، در حالیکه نباید چنین می‌کرد. حتی بعضی مذهبی‌ها هم رای ندادند.

من گفتم که چنین نیست و رای حزب به قانون اساسی بود و نه به ولایت فقیه، ضمناً این رای‌گیری بصورت رفراندوم بود و نه رای‌گیری راجع به بند بند قانون اساسی. آقای... گفت که لاج‌بازی نکنید، اشتباه را بپذیرید، حتی در نامه مردم خودتان هم این اشتباه را قبول کرده‌اند...))

ما بسیار خوشحال می‌شدیم تا هم آقای... و هم دیگرانی که مشابه وی می‌اندیشند در دیداری مستقیم و در فضایی مناسب حضور می‌یافتند تا با اسناد و مدارک بتوان در این نوع موارد صحبت کرد.

آنچه که بعنوان پاسخ به آقای... گفته شده، واقعیتی انکارناپذیر است، که تاکنون بارها نیز در راه توده مطرح شده‌است. حزب توده ایران در رفراندوم قانون اساسی شرکت کرد و نه در رای‌گیری برای بند بند قانون اساسی. ضمناً در جریان تشکیل بحث‌های طولانی پیرامون قانون اساسی نیز بارها نظرات و پیشنهادات خود را چه بصورت علنی و در نشریات حزبی و چه بصورت نامه‌های مستقیم به مجلس و شخص آیت‌الله خمینی مطرح ساخت. در طرح اولیه قانون اساسی، اساساً بحثی پیرامون ولایت فقیه در آن مطرح نبود و زمانی که در طرح دوم و نهائی قانون اساسی این بند گنجانده شد، حزب توده ایران با همه ملاحظات ناشی از فعالیت علنی بسیار دشوار خود در شرایط آن روز ایران، رسماً نظر مخالف خود را عنوان ساخت. حتی زمانی که بحث‌های مربوط به ولایت فقیه در مجلس بررسی قانون اساسی مطرح بود نیز حزب توده ایران با انتشار مقالات و نامه‌های سرگشاده خطاب به این مجلس و ارسال طرح‌های پیشنهادی خود با گنجانده شدن این اصل در قانون اساسی مخالفت کرد. آنها که تدارک گنجاندن این اصل را در قانون اساسی دیده بودند اساساً نه به رهبری آیت‌الله خمینی باور داشتند و نه دردشان، درد ولایت بود. آنها زیر پوشش اعطای ولایت به آیت‌الله خمینی، که بدون این سمت هم رهبر بلامنازع انقلاب و جمهوری اسلامی بود، می‌کوشیدند زمینه را برای ولایت خویش پس از درگذشت آیت‌الله خمینی فراهم کنند. اکنون دیگر برهمگان روشن است که دست‌های مظفر بقائی و ابدی نفوذی‌اش نظیر "حسن ایت" در این ماجرا آلوده بود. جالب است که بسیاری از مدافعان سینه چاک گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی در مجلس خبرگان رهبری، که همان سال‌های اول تاسیس جمهوری اسلامی و پویژه در طول جنگ، با راه‌انداختن روزنامه "رسالت" به مخالفت با ولایت آیت‌الله خمینی برخاستند. همین عده پس از درگذشت آیت‌الله خمینی در مجلس خبرگان رهبری از ولایت آیت‌الله مرعشی حمایت کردند و بعد هم با گنجاندن "ولایت مطلقه" در قانون اساسی زمینه را برای قدرت و ولایت مطلقه خویش در جمهوری اسلامی فراهم ساختند که دیگر امروز بر همگان آشکار و عیان است.

اسناد چه می‌گویند؟

رفراندوم قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۹/۶ برگزار شد. طرح نهایی قانون اساسی نیز اندکی پیش از این رفراندوم برای آگاهی عمومی

انتشار یافت. کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۵۸/۹/۱، یعنی بلافاصله پس از انتشار طرح نهایی قانون اساسی و ۵ روز پیش از انجام رفراندوم نامه سرگشاده‌ای را در این ارتباط منتشر ساخت. در این نامه در ارتباط با "ولایت فقیه" و ضرورت حذف آن از قانون اساسی آمده‌است:

((... از اصول قابل تنقیح در اصول مختلف که بگذریم، نگرانی ناشی از اصول مربوط به مبنای حاکمیت و اعمال آنست. اگر اصول مربوط به حاکمیت، یعنی اصول مربوط به ولایت فقیه، رهبر و شورای نگهبان و غیره منحصرراً برای دوران حیات امام خمینی تدوین شده بود، حزب توده ایران کمترین تردیدی در صحت آنها نمی‌داشت. ولی قانون اساسی برای دورانی دراز و برای نسل آینده تدوین می‌شود و لذا این پرسش مطرح است که: آیا در دوران‌های آینده، نظیر امام خمینی را بعنوان مرجع تقلید و رهبر مورد قبول و بلامنازع توده‌های میلیونی مردم، هر چند گاه یکبار می‌توان یافت؟ و اگر نتوان یافت، تمرکز اینهمه قدرت و اختیار، که مستقیم و غیر مستقیم از طریق اصول ۴، ۵، ۹۱ تا ۹۹ و ۱۰۷ تا ۱۱۰ به یک فرد تفویض گردیده، زمینه فراهم نخواهد کرد که حاکمیت فردی جایگزین حاکمیت خلق گردد؟))

ضرورت شرکت در رفراندوم!

تاریخ برگزاری رفراندوم، پنج روز بعد از اعلامیه بالا اعلام شد. حزب توده ایران با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن حمایت از رفراندوم و ضرورت شرکت در آن برای حفظ و تثبیت انقلاب چنین نوشت: ((...مجلس خبرگان به کار خود پایان داد و پس از آخرین اصلاحات، طرح قانون اساسی را تصویب کرد. اکنون قرار است که روز ۱۱ و ۱۲ آذر ماه، همه پرس‌های برای تأیید قطعی قانون اساسی انجام شود... حزب توده ایران بهنگام عرضه پیش نویسی، پیشنهادهای مشخص خویش را در معرض قضاوت همه مردم قرار داد و هم زمان با تشکیل مجلس خبرگان نیز "مردم"، ارگان مرکزی حزب ما، نظرات و ارزیابی‌های متعددی را، بطور مشخص پیرامون مهمترین اصول تصویب شده منتشر ساخت... بدنبال اعلام سرپرست وزارت کشور مبنی بر اینکه قرار است متممی بر قانون اساسی افزوده شود، ما باز در اعلامیه کمیته مرکزی حزب؛ مورخ ۵۸/۹/۳ ((ضمن پرهیز از ارائه پیشنهادهایی که می‌توان برای تنقیح و تکمیل فروعات و جزئیات اصول متعددی از قانون اساسی داد، پیشنهادهای خود در باره مسائل مهم و عمده‌ای که در تثبیت دستاوردهای انقلاب و تامین و تضمین پیروزی نهایی آن نقش موثری خواهند داشت)) مطرح کردیم. ما در این رابطه و با استفاده از این فرصت بار دیگر مجموعه نظریات و پیشنهادهای خود را برای اصلاح، تکمیل و تنقیح قانون اساسی در اختیار وزارت کشور گذاشتیم. طرح قانون اساسی که اینک به رای مردم گذاشته می‌شود، در همه جوانب خود پاسخگوی این انتظار نیست. در مسئله حاکمیت مردم و تعلق تمامی قدرت به اراده خلق، در زمینه تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، در مسئله ملی، در مسائل مربوط زنان و حقوق آنها در جامعه و خانواده، در مسئله حدود و وظائف مراجع قدرت و در مسئله نظام اقتصاد روستایی این نقص بیش از همه به چشم می‌خورد. در بسیاری موارد میل تدوین کنندگان به اینکه متن در صورت ظاهر هر چه اسلامی‌تر باشد منجر به آن شده که نه تنها از دقت محتوا کاسته شود، بلکه مطالبی که قاعدتاً در قانون اساسی جای ندارد و یا احکام دینی، که نیاز به تسجیل قضایی آن‌ها در یک سند حقوقی نیست، در طرح کنونی گنجانیده شود. با همه اینها حزب توده ایران از همه هواداران خود و همه مردم دعوت می‌کند که در رفراندوم شرکت کنند و به این سند - قانون اساسی - رای مثبت بدهند. هموطنان! با حفظ نظریات انتقادی خود، در همه پرس‌های وسیعاً شرکت کنیم و به قانون اساسی جدید رای بدهیم... (۵۸/۹/۶)). تمام علاقمندان به حقیقت، می‌توانند به کتاب "اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۷" مراجعه کنند و اعلامیه‌های مربوط به قانون اساسی و شرکت در رفراندوم قانون اساسی و متن کامل دو اعلامیه‌ای را که در بالا قسمت‌هایی از آن‌ها را آوردیم، بخوانند.

ما تصور نمی‌کنیم اگر کسی صادقانه بخواهد با مسائل برخورد کند و شرایط آن سال‌ها را نیز در نظر داشته باشد، با خواندن این اسناد، بر این موضع گیری حزب توده ایران بعنوان حزبی که فعالیت علنی و قانونی داشت انتقادی اساسی داشته باشد. بنابراین، هر کس حزب توده ایران را متهم به دادن رای به "ولایت فقیه" می‌کند، یا در جستجوی بهانه‌ای از حزب توده ایران و سیاست آن در برابر انقلاب ۵۷ و جمهوری اسلامی است و یا اطلاع از اسناد و مدارک ندارد، البته، در این میان باید متأسف بود که بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، گاه در نشریه "نامه مردم" مطالبی منتشر می‌شود، که عملاً به کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران آگاهانه و یا ناآگاهانه یاری می‌رساند. از جمله درباره "ولایت فقیه" و قانون اساسی.